

# خلاصه نشست

حجت الاسلام والمسلمین صدوق

(سرپرست حسینیه اندیشه قم)

و

حجت الاسلام والمسلمین بحرینی

(عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی)

بهمن ۱۳۹۷

به کوشش سرکار خانم بهاره اشکیانی

## بسمه تعالی

حجت‌الاسلام و المسلمین صدوق:

باید یک گفتمان عمومی نسبت به مسائل اصلی انقلاب رقم بخورد.

مشکلات اقتصادی که الآن نظام به آن مبتلاست فراجناحی است.

باید مشخص شود که اسلام اقتصاد دارد یا خیر و در اقتصاد اسلامی فقط عدم مخالفت با اسلام کافی است (مثل عملکرد شورای نگهبان) یا باید موافقت با آن وجود داشته باشد.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر بحرینی:

از نظر ایشان ریشه مشکلات:

۱- اینکه قاعده بازی را رعایت نمی‌کنیم یعنی هر جناحی به قدرت می‌رسد می‌خواهد جلوی طرف مقابل را بگیرد و به همین دلیل هم اقتصاد هم رشد نمی‌کند.

۲- اینکه دشمن داریم و دشمن هم تمام تلاشش این است که ما موفق نشویم چه در تحریم و چه در غیرتحریم.

۳- بحث حامل‌های انرژی که در ایران بسیار ارزان است و در نتیجه کارخانه‌ها و ... به فکر بهینه‌سازی نمی‌افتند. باید حامل‌های انرژی گران شود تا هم جعبه سیاه اقتصاد بهینه شود و هم کسانی که مصرف زیادی ندارند پولی به دستشان برسد (هدفمندی یارانه‌ها) گرچه که در نتیجه آن تورم بالا می‌رود اما برای نجات اقتصاد کشور لازم است این کار را انجام دهیم، ولی دولت‌ها به خاطر بحث پوپولیزم زیر بار آن نمی‌روند.

مثلاً در دنیا شاخص انرژی که باید مصرف کنید تا ۱۰۰۰ دلار محصول تولید کنید. بر حسب بشکه نفت خام محاسبه شده و در کشورهای خوب دنیا حدود ۲ تا بشکه نفت خام است ولی در ایران ۱۳ و شش دهم است.

۴- بحث‌هایی چون شرکت‌های دولتی که حیاط خلوت دولت شده‌اند؛ صندوق‌های بازنشستگی که به جای حمایت از مردم، فقط کلّ بر دولت هستند، نداشتن بانک توسعه و ...

۵- وضعیت بانکها که در کشور ما بانکها باعث آسیب به اقتصاد شده و در واقع ضد توسعه هستند و برخی از بانکها نیز ربوی هستند.

۶- اینکه از قانون‌گذاری مجلس تا اجرا مراحل زیادی وجود دارد که در تمامی این مراحل، شورای نگهبان غایب است و در طی همین مراحل است که ما دچار مسائلی مانند ربا می‌شویم.

۷- مشورتی بودن شورای فقهی بانک مرکزی (که البته یکی دو ماه اخیر دستورات آن الزامی آور شده است).

همچنین در نظر حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر بحرینی:

۱- همین که در سطح عدم مخالفت چه در شورای نگهبان و چه در شورای فقهی کار به اجرا نزدیک می‌شود، علاوه بر اینکه مصلحت‌سنجی هم بشود (یعنی یک جاهایی از همان سطح عدم مخالفت هم کوتاهتر بیاییم) بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

۲- اینکه ما باید در مسائل فنی از اقتصاد دنیا بهره بگیریم (مثل اینکه چطور تورم را کم کنیم، بهره‌وری را زیاد کنیم و غیره) و در اینجا هم عدم مخالفت با دین کافی است (به عبارت دیگر فن اسلامی و غیراسلامی ندارند) ولی در مسائلی مکتبی که فنی نیست (مثل بحث هدف‌گذاری‌های اقتصاد) حکومت اسلامی باید تشخیص بدهد که کدام عدل است.

۳- دیدگاه شهید صدر: یک علم اقتصاد داریم که در آن از تجربه اقتصادی دنیا استفاده می‌کنیم و یک مکتب اقتصاد داریم که در آن در اسلام حرف برای گفتن داریم.

حجت‌الاسلام و المسلمین صدوق:

باید مشخص کنیم نگاه ما کدامیک از این دو نگاه است:

نگاه اول: نظام اقتصاد که در دنیا وجود دارد به عنوان نظام اقتصادی پذیرفته شده است و قسمت‌هایی که مغایر با اسلام باشد حذف شود (یعنی عدم مخالفت باشد کفایت می‌کند) به عبارتی اقتصاد اسلامی هم می‌شود پاسخگویی به مسائل مستحدثه‌ای که در اجرای نظام اقتصادی دنیا با آن روبرو می‌شویم.

نگاه دوم: اسلام مجموعه نظام اقتصادی که در دنیا وجود دارد را مخالف با اهداف عالیه اسلام می‌بیند و لذا لازم است که یک سیستم اقتصادی دیگری را به عنوان اقتصاد اسلامی پایه‌ریزی کنیم (یعنی مخالفت قطعی با اسلام لازم است).

بنا به گفته آقای نیلی پنج اصل راهبردی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی مطرح است و باید یک گفتمان عمومی در رابطه با این ۵ اصل ایجاد کنیم.

مهمترین آنها که راهبرد اصلی است «بخش خصوصی» است که زیربنای اقتصاد دنیاست که با بیشترین کارآیی می‌تواند عهده‌دار بنگاهداری اقتصادی باشد.

بنا به گفته آیت الله حائری از شاگردان مرحوم صدر شخصیت حقوقی برای غیر از حاکمیت به رسمیت شناخته نمی‌شود.

در اسلام بخش خصوصی نباید آن حد از قدرت را پیدا کند که مالکیت را از عین جدا کند یا مالکیت را از مدیریت جدا کند.

در اسلام مالکیت خصوصی به شکلی که مالکیت را به سهام متعلق می‌کند نداریم و نیز اختصاص مدیریت به ۵۱ درصد (و تفاوتی ندارد که ۴۹ درصد دیگر راضی باشند یا نباشند) نداریم.

گرچه هنگام خرید سهم بدانیم و رضایت دهیم که مدیریت در دست ۵۱ درصد باشد ولی اینکه حاکمیت این قرارداد را به رسمیت بشناسد (یعنی شرط خارج، قید ماهیت شود و تعریف شرکت را عوض کند) مورد قبول نیست.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر بحرینی:

بخش خصوصی یک نهاد است و تنها بهینه‌سازی آن نیاز به موافقت با اسلام دارد.

موضوع شرکت نیز «فن» نیست و یک ساختار حقوقی است و اینکه شورای نگهبان این نوع قانون تجارت را تنفیذ کرده دیگر خلاف شرع نیست و بنابراین ما بحثی در این موضوع نداریم و مشکل ما این نیست که شرکت‌های خصوصی باشند یا نباشند.

کار دولت نیز اقتصاد‌گردانی نیست و از نظر رهبر هم بخش خصوصی باید در اقتصاد باشد و آن را راه‌بردار.

همه چیز به بلد بودن قاعده بازی برمی‌گردد که یکی از آثار قاعده بازی «اجماع‌سازی» است. وقتی با اجماع‌سازی قانونی تصویب شد باید فصل‌الخطاب باشد (نباید بگوییم این را اصولگرا تصویب کرده و یا اصلاح طلب) یعنی همه چیز به نحوه برخورد ما و اجرای قانون برمی‌گردد.

در اقتصاد ما از نظر بیس علمی science مشکلی نداریم و اصولاً اصلاً موضوعات علمی خیلی اختلاف‌بردار نیست و مشکل ما صرفاً در «اختلاف نظر» هاست ولی از نظر استاد صدوق و بنا به گفته رهبری ما در بحث اقتصاد «گره علمی» داریم.

شورای نگهبان ضامن عدم مخالفت قوانین  
با اسلام است، نه تطابق.